

نقش سیاست‌های قومی و مذهبی در مشارکت اقوام در امنیت، توسعه همه جانبه و همگرایی با تأکید بر ترکمن‌های شمال و شمال شرق ایران

نصرت برزگر

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

حیدر لطفی^۱

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

داود حسن آبادی

استادیار اقلیم شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

محمد تقی رضویان

استاد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۰

چکیده

ایران کشوری چند قومیتی است و برحسب دو عنصر شاخص مذهب و زبان بین اقوام ایرانی تمایز وجود دارد و آن‌ها را به چند دسته تقسیم می‌کند. در این که موضوع اقوام و مسئله قومیت یکی از مهم‌ترین مباحث و مسائل مطرح در ایران معاصر است تردیدی نیست. در این راستا مهم‌ترین نکته در سیاست‌گذاری و مدیریت قومی، ایجاد توازن و سازش میان تعلقات ملی و قومی است. مشارکت مردم در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی و علم سیاست است؛ نظام‌های سیاسی بر پایه‌ی اعتماد عمومی و اراده‌ی مردم استوار می‌گردند و استمرار و اقتدار آن‌ها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است. با توجه به این مقدمه سؤال اصلی مقاله حاضر این است که مشارکت سیاسی و اقتصادی اقوام ایرانی در مدیریت کشور چه اثر و نقشی در امنیت و توسعه همه‌جانبه و همگرایی اقوام دارد؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخگویی به این سؤال اصلی در صدد آزمون هستیم این است که به نظر می‌رسد که در تاریخ ایران هر زمان دولت مرکزی به اقوام و گروه‌های قومی توجه کرده ساختار سیاسی ما شاهد مشارکت و همیاری و همسویی آن‌ها با خواست‌های حاصل از سیاست‌گذاری‌های مرکز بوده‌ایم. تحقیق حاضر به صورت توصیفی-پیمایشی انجام می‌شود. بدین صورت که ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات پژوهشی و نیز سایر منابع علمی به گردآوری و تحلیل مشارکت سیاسی و اقتصادی و ادبیات قومیت پرداخته شود و در ادامه با استفاده از روش دلفی به آزمون فرضیات پژوهش پرداخته می‌شود. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که تشویق اقوام ایرانی به حذف ناسیونالیسم افراطی قومی و نهادسازی سازمانی، بستری برای مشارکت نظام‌مند در متن نظام سیاسی فراهم می‌سازند و از طرف دیگر چنانچه احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی قرار گیرد می‌تواند موجب عوارض امنیتی در کشور باشد. همچنین سبکی وزنه مدیریت سیاسی به نسبت وزنه جمعیتی و احساس محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز در ایران می‌تواند احساس هویت متفاوت در قومیت‌ها را تشدید نمایند.

واژگان کلیدی: مشارکت، اقوام ایرانی، امنیت، همگرایی اقوام، قوم ترکمن.

مقدمه

ایران کشوری چند قومیتی است و در این میان آن چه اهمیت دارد میزان سهم‌بری از قدرت و بهره‌گیری متفاوت اقوام گوناگون از منابع مختلف اقتصادی، سیاسی و ... است که باعث می‌شود احساس هویت و تعلق خاطر آن‌ها به هویت‌های جمعی مانند احساس تعلق به ایران و ملیت ایرانی متفاوت شود؛ البته عوامل مذهبی و فرهنگی مختلف به تقویت یا تضعیف همبستگی منجر می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۴). برحسب دو عنصر شاخص مذهب و زبان بین اقوام ایرانی تمایز وجود دارد و آن‌ها را به چند دسته تقسیم می‌کند. بخش زیادی از جمعیت کرد زبان‌ها در غرب ایران و بلوچ‌ها پیرو مذهب تسنن هستند که از مذهب رسمی کشور متفاوت هستند. در عین حال ترک‌ها، لرها و بخش زیادی از عرب‌ها از نظر زبانی به حوزه زبانی متفاوت با زبان رسمی کشور - که فارسی است - تعلق دارند؛ اما از لحاظ مذهبی با توجه به اینکه پیرو مذهب تشیع هستند با مذهب رسمی کشور اختلافی ندارند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰).

وجود این تفاوت‌ها در کنار توسعه نیافتگی نسبی استان‌های این اقوام در مقایسه با استان‌های فارس زبان که شیعه هستند، احساس تبعیض، نابرابری و ستم ایجاد می‌کند و این فرضیه را شکل می‌دهد که حس تعلق آن‌ها به هویت جمعی ایرانی، حداقل از لحاظ سیاسی کم رنگ‌تر است. بر اساس مطالعاتی که درباره اقوام کرد و عرب انجام شده است، از زمان رضا شاه به بعد در رابطه با اقوام در تاریخ ایران اتفاق جدیدی روی داد (همچنین در ترکیه بعد از مصطفی کمال آتاتورک و عراق بعد از پیدایش رژیم بعث) که در تاریخ پیش از آن با وجود کشاکش‌ها و جنگ‌های خونین، ناشناخته و بی‌سابقه است و آن پیاده‌سازی نوعی ناسیونالیسم است که پیدایش شکل‌های جدید سلطه و استیلا را منجر می‌شود و بر هژمونی و ایدئولوژی مبتنی است که هویت دیگری و فرهنگ و زبان آن‌ها را نشانه می‌گیرد و تضادها، تبعیض‌ها و ستم‌های بعدی را به دنبال دارد و به جنگ و حذف فیزیکی نیز مشروعیت می‌بخشد (حقمردی، ۱۳۹۲: ۲۳۲). ابراهیم توفیق معتقد است ملت و هویت ملی، برساخته نظام دولت و ملت است و بدون آن شکل نمی‌گیرند؛ اما با پذیرش تفکیک احمد اشرف میان هویت ایرانی و هویت ملی ایرانی بر این باور است که برساختن ملت با دولت مدرن به‌طور قطعی به شکل‌گیری هویت ملی منجر نمی‌شود (توفیق، ۱۳۸۸: ۲۵).

در این که موضوع اقوام و مسئله قومیت یکی از مهم‌ترین مباحث و مسائل مطرح در ایران معاصر است تردیدی نیست. در این راستا مهم‌ترین نکته در سیاست‌گذاری و مدیریت قومی، ایجاد توازن و سازش میان تعلقات ملی و قومی است. ملیت در جوامع چند قومی و چند فرهنگی از قوام اقوام و خرده فرهنگ‌ها حاصل شده و دولت ملی کارآمد می‌تواند در طول زمان با تدوین استراتژی‌های ملی، اقوام را در راستای همراه‌سازی با ایده‌های ملی مدیریت کرده و همگام سازد. هدف کلی سیاست‌گذاری قومی، مهندسی اجتماعات در چارچوبی سیاسی است؛ به طوری که اجتماع ملی فراگیر و پایدار شکل بگیرد و تداوم یابد. با عنایت به تنوع و ویژگی‌های قومی موجود در ایران باید تأکید مؤکد نمود که اکثر سیاست‌هایی که در رابطه گروه‌های قومی اتخاذ شده و اعمال می‌گردد ارتباط مستقیمی با میزان مشارکت آن‌ها علی‌الخصوص مشارکت از نوع سیاسی آن خواهد داشت (آبیار، ۱۳۸۱).

حائز توجه است که در نظام‌های سیاسی توسعه‌یافته میان حکومت و جامعه یک نوع رابطه از جنس ارگانیک برقرار است. حکومت (دولت‌ها) در مقابل تقاضاهای مشارکتی و مطالبات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم

پاسخگو بوده و احساس مسئولیت می‌کند. همان طور که گفته شد مشارکت سیاسی در یک جامعه با انتخابات و رأی مردم نمود پیدا می‌کند، بنابراین فرآیند درگیر شدن همه گروه‌های مردمی و یا قومیت‌های یک جامعه در همه مراحل توسعه در این بهبود، ظهور توانایی‌ها و قابلیت‌ها و در نتیجه رشد و تعالی مادی و معنوی مؤثر واقع خواهد بود (احمدی، ۱۳۸۳). به همان اندازه که مشروعیت سیاسی و مشارکت قومیت‌ها کمرنگ‌تر باشد ثبات سیاسی یک نظام خدشه می‌بیند. ما همواره در تاریخ سیاسی معاصر خود تبعیض سیاسی از سوی دولت مرکزی به عنوان مؤثرترین نوع تبعیض که موجب حذف این گروه‌های قومی در هرم قدرت سیاسی شده است، به نظاره نشستیم (احمدی، ۱۳۷۶) که در واقع دولت‌ها با برنامه از پیش تعیین شده خویش و با اقتدار سیاسی خود منجر به حاشیه‌رانی قومیت‌ها شده‌اند؛ به عنوان مثال ما در عصر پهلوی دوم شاهد عدم مشارکت اقوام در تام سطوح هستیم. باید تا حدودی این عدم توجه متقابل در عدم اعتماد ساختار و جوامع قومیتی به همدیگر را از یک سو و آن را تابعی از عدم تعامل حکومت با جامعه ایران از سوی دیگر جستجو نمود که ناشی از نگرش‌های سلبی دو سویه بوده است (آزر و این مون، ۱۳۸۸). چرا که با تثبیت پهلوی دوم و تحت تأثیر سیاست‌های استبدادی و فرهنگی پهلوی دوم حدود سه دهه انفعال سیاسی و سیاست انزواگرایانه بر اقوام و اقلیت‌های درون کشور حاکم گردید. در آستانه انقلاب اسلامی با فروپاشی استبداد، هر یک از اقوام، گروه‌ها، طبقات و اقشار جامعه ایران منزلت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود را در ساخت اجتماعی ایران دوران پهلوی به وجهی نابرابر و تحت ستم می‌دیدند در کنار سایر گروه‌های سیاسی - اجتماعی و صنفی در مبارزات خود برای برچیدن رژیم پهلوی همکاری می‌کردند (اطاعت، ۱۳۷۴).

این همگانی و همراهی گروه‌های قومی در پیروزی انقلاب موجب گردید در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بستر قانونی مناسبی جهت حیات سیاسی - اجتماعی اقوام فراهم آورند. با توجه به این مقدمه سؤال اصلی مقاله حاضر این است که مشارکت سیاسی و اقتصادی اقوام ایرانی در مدیریت کشور چه اثر و نقشی در امنیت و توسعه همه‌جانبه و همگرایی اقوام دارد؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخگویی به این سؤال اصلی در صدد آزمون هستیم این است که به نظر می‌رسد که در تاریخ ایران هر زمان دولت مرکزی به اقوام و گروه‌های قومی توجه کرده ساختار سیاسی ما شاهد مشارکت و همیاری و همسویی آن‌ها با خواست‌های حاصل از سیاست‌گذاری‌های مرکز بوده‌ایم. تحقیق حاضر به صورت توصیفی - پیمایشی انجام می‌شود. بدین صورت که ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات پژوهشی و نیز سایر منابع علمی به گردآوری و تحلیل مشارکت سیاسی و اقتصادی و ادبیات قومیت پرداخته شود و در ادامه با استفاده از روش دلفی به آزمون فرضیات پژوهش پرداخته می‌شود.

رویکرد نظری

قوم به معنی مردمی است که بر اساس ویژگی‌هایی چون نژاد، زبان، مذهب، سرنوشت تاریخی مشترک و معمولاً به همراه یک افسانه اجدادی معین، در جغرافیای مشخصی گرد هم می‌آیند و بر مبنای یک یا چند مورد از این ویژگی‌ها خود را از مردمان دیگر متمایز می‌سازند (اطاعت، ۱۳۷۶). قومیت عنوانی است که از سوی بیرونی‌ها و اعضای گروه قومی معین استفاده می‌شود و بر اهمیت گذشته‌ای واقعی یا تصویری و فرهنگ خاص گروه دلالت می‌کند که شامل عقاید مشترک، فعالیت اجتماعی، هنجارها و اشکال سازمان اجتماعی و نیز نوعی

تعلق و دل‌بستگی احساسی به سرزمینی معین که یا اکنون مسکون است یا اینکه سرزمین مادری از دست رفته است و اعضای گروه قومی خود را متعلق به اجتماع مشابه می‌دانند که چنین حسی به آنان حس قوی همبستگی با سایر اعضای گروه می‌بخشد (افتخاری، ۱۳۷۸). این اصطلاح به خودآگاهی سیاسی گروه‌های مختلف زبانی، مذهبی و نژاد در یک سرزمین نسبت به هویت خود و نیز تفاوت قائل شدن میان خود و سایر گروه‌های ساکن در همان منطقه اشاره دارد (افتخاری، ۱۳۷۸). جامعه شناسان و انسان شناسان اجتماعی و فرهنگی، اصطلاح گروه قومی را برای اشاره به مردمانی به کار می‌بردند که راه و روش، آداب و رسوم و فرهنگی جداگانه و ویژه‌ی خود دارند. این همانندی در فرهنگ و رسوم به اصطلاح گروه قومی، کاربردی فراتر از ملیت می‌بخشد و این امکان را فراهم می‌سازد که افراد یک گروه قومی در هر سطحی که باشند، بی‌سواد و یا بسیار تحصیل کرده هم چون بخشی از یک آمیزه اجتماعی یگانه به شمار روند و همان رفتاری را داشته باشند که همه اعضای یک ملت یا مردم دارند (افروغ و احمدلو، ۱۳۸۱).

همگرایی از یک سو به معنای داخل شدن افراد در یک محیط اجتماعی - فرهنگی است و از سویی دیگر به معنای جذب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی - فرهنگی در چارچوب شخصیت و زندگی با آنان را می‌رساند. در نهایت ادغام یا یکپارچگی می‌تواند یکسان شدن فرد و محیط، جذب شخص توسط محیط و یا جذب درونی محیط توسط فرد و تعهد وی را در برابر محیط به عنوان عضوی همبسته و مسئول برساند (اکبری، ۱۳۸۵).

همگرایی فرایندی است که بازیگران و گروه‌های سیاسی مجزا در آن برای توجه به سوی اهداف جدید، وفاداری‌ها و فعالیت‌ها و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف می‌کنند و در رسیدن به اهداف به تصمیمات مشترک دست می‌یابند (اکبری، ۱۳۸۵). اگر جامعه را به مثابه یک کل بدانیم که مرکب از افراد، مؤسسات اجتماعی و شبکه ارتباطی آن‌ها بر محور مصالح و منافع است، واگرایی در حالت طبیعی آن، دلالت بر مرزهای اختلاف بین افراد، گروه‌ها و نهادها دارد. کلیه اختلافات بین گروهی و قومی در درون جامعه که ریشه در ارزیابی‌های متضاد آنان داشته باشد، جلوه‌های واگرایی محسوب می‌شوند. واگرایی می‌تواند به دو شکل فعال و غیر فعال وجود داشته باشد. واگرایی غیرفعال در صورت وجود منفعت مشترک کمیاب که دستیابی یک گروه به آن مساوی با محرومیت گروه یا گروه‌های دیگر از آن باشد، طی فرایند موسوم به بسیج اجتماعی، از حالت غیرفعال خارج و فعال می‌شود (امیرکافی و حاجیانی، ۱۳۹۲).

امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (امیرکواسمی، ۱۳۷۵).

امنیت ملی در بعد عینی به فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌ها و در بعد ذهنی به فقدان ترس از این که چنین ارزش‌هایی مورد تهدید واقع شوند، می‌پردازند و آن‌ها را می‌سنجد (آندریین و اپتر، ۱۳۷۸). با تأمل در سیاست‌های موجود می‌توان سه الگوی مادر را از میان انواع الگوهای رایج در سطح جهانی برای حل مسئله قومیت‌ها استخراج نمود:

اول- سیاست همانندسازی که به دو صورت فرهنگی و ساختاری اعمال شده است و نقطه مقابل سیاست تکثرگرایانه است. دو شاخه اصلی سیاست تکثرگرایانه در حقیقت به عنوان موارد دوم و سوم از الگوهای سیاست قومی مطرح هستند که عبارت‌اند از:

دوم- تکثرگرایی مساوات طلبانه که در آن گروه‌های قومی بسان گروه‌های ذینفع درآمده و در سیاست کشور نقش ایفاء می‌کنند.

سوم- تکثرگرایی غیر مساوات طلبانه که اشکال متنوعی از قبیل استعمار داخلی و امحاء قومیت‌ها را دربر می‌گیرد. الگوی اول: همانندسازی؛ به نظر «ینگر» همانندسازی، فرایند تقلیل خط تمایز است و زمانی رخ می‌نماید که اعضای دو یا چند جامعه، گروه نژادی یا گروه اجتماعی کوچک با یکدیگر همسان می‌شوند (اوومن، ۱۳۷۸). بنابراین همانندسازی را می‌توان بسان غرض و یا ایدئالی منسجم ساز برشمرد که جوامع چند قومیتی به سوی آن حرکت می‌کنند و سیاست‌های دولت و ایدئولوژی‌ها بر اساس آن شکل می‌گیرند. هدف سیاست‌های همانندسازی عبارت است از: ترکیب زیست شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروه‌های متمایز و منفرد به منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی (ایمان و مقدس، ۱۳۸۱).

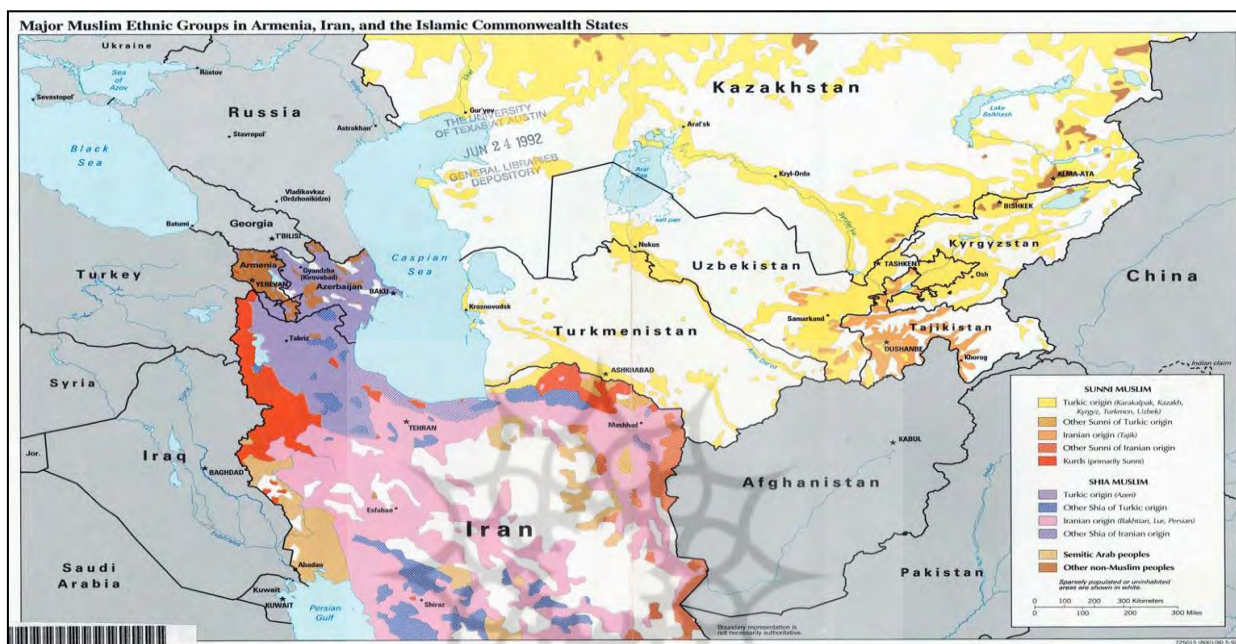
اگر هدف از سیاست‌های همانندسازی را کاهش اختلافات فرهنگی و ساختاری در بین گروه‌های مختلف بدانیم، در صورت تحقق کامل این سیاست‌ها و در نقطه اوج این فرایند، جامعه‌ای متجانس و همگن خواهیم داشت که در آن بین گروه‌ها از حیث نژادی یا فرهنگی تفاوتی وجود ندارد. از این رو قومیت به عنوان ملاکی برای توزیع نابرابر ثروت و قدرت چندان نقش مؤثری نخواهد داشت. شهروندان نیز فقط به عنوان «افراد» و نه «اعضای دستجات» و یا گروه‌های قومی، محسوب می‌شوند و در نتیجه نمی‌توانند هیچ ادعایی علیه دولت داشته باشند. همانندسازی در شکل کاملش، چه برای جامعه به عنوان یک کل و چه گروه‌های مشخص درون جامعه، کم‌تر حاصل می‌آید (ایوبی، ۱۳۷۷).

محیط مورد مطالعه پژوهش

ترکمن‌ها مسلمان و اهل تسنن هستند و از چهار فرقه حنفی، حنبلی، مالکی، شافعی و بیشتر پیرو مذهب حنفی هستند و گروهی نیز علاوه بر آن پیرو فقه نقشبندیه که مؤسس آن خواجه بهاءالدین نقشبند بخارایی است. فب مار معتقد است ترکمن‌های عراق احتمالاً بقایای دودمان قبیله‌ای ترکمن قرون ۱۴ و ۱۵ هستند و بعدها به شهروندان ترکی که جانشینان سلاطین عثمانی آن‌ها را در این شهرهای مرزی مستقر کرده بودند پیوستند، بخش عمده جمعیت ترکمن‌های عراق در روستاها ساکن‌اند و طبق یکی از سرشماری‌های رسمی صورت گرفته در عراق، نزدیک به ۱۰ درصد از جمعیت عراق را ترکمن‌های آن کشور تشکیل می‌دهد (هویان، ۱۳۷۸: ۴۰).

ترکمن‌ها یا ترکمانان از اقوام آسیای میانه هستند که عمدتاً در ترکمنستان شمال غرب افغانستان و شمال شرق ایران سکونت دارند، آن‌ها به زبان ترکمنی از زبان‌های ترک تبار شاخه‌های اغز (آغوز) غربی سخن می‌گویند و بیشتر آنان مسلمان و پیرو مذهب حنفی هستند، ترکمن‌ها در گذشته اغز (آغوز) نامیده می‌شدند، شاخه‌ای از ترکان آسیای میانه‌اند که از عهد قدیم در صحرای وسیع بخش سفلاهی رود سیحون و جیحون و بین دریای آرال به زندگی کوچ‌نشین روزگار می‌گذرانیده تا حدود قرن هفتم میلادی ترکمن‌ها جزئی از قوم بزرگ ترک بودند. در این سال‌ها

به دنبال اضمحلال و انقراض امپراتوری گوک تورک‌ها (ترکان آسمانی)، گروهی از ترک‌ها که آغوز نامیده می‌شدند از آنان جدا شده از ناحیه ارخون به طرف آرال و سیر دریا کوچ کردند، میزان پراکندگی ترکمن‌ها در کشورهای ایران، افغانستان و کشورهایی که بعد از فروپاشی شوروی سابق تشکیل شدند ساکن هستند مثل ازبکستان، ترکمنستان تاجیکستان و ...؛ که امروزه ۰/۴ درصد از جمعیت کشور تاجیکستان را ترکمن‌ها تشکیل می‌دهند (بالمر و سولوموز، ۱۳۸۱).



نقشه شماره ۱- موقعیت جغرافیایی سکونت اقوام ترکمن

منبع: (<http://www.oilempire.us/iran.html>)



نقشه شماره ۲- موقعیت جهانی و منطقه‌ای مناطق ترکمن نشین

منبع: (<http://www.oilempire.us/iran.html>)

موسیقی اصلی ترکمن‌ها تامدبره یا کنبوره و یا دوتار است. همچنین نواختن کمانچه ونی نیز در این گروه از ترکمنان رواج دارد. زبان ملی در جمهوری تاجیکستان فارسی تاجیکی است که از گروه زبان‌های جنوب خاوری ایران است که قوم ترکمن هم از زبان ملی و رسمی کشور خود استفاده می‌کند؛ گویا در تکلم‌های ساده و عامیانه از لهجه و گویش خاص قوم خود استفاده می‌کنند. ترکمن‌ها در مکاتبات و خط و کتابت پیرو تاجیک‌ها بودند که ابتدا از خط عربی بعدها خط روسی که سرانجام خوبی نداشت و بالاخره زبان و خط فارسی در تاجیکستان به رسمیت شناخته شد و الفبای سیریلیک به الفبای فارسی تغییر یافت و این خط و زبان مورد استعمال ترکمن‌ها هم قرار گرفت. ترکمن‌ها یک گروه قومی هستند که دو درصد از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، این قوم اصولاً در ترکمن صحرا جلگه واقع در شرق استان مازندران و شمال استان خراسان و در همسایگی جمهوری ترکمنستان زندگی می‌کنند (پناهی و خوش فر، ۱۳۹۰).



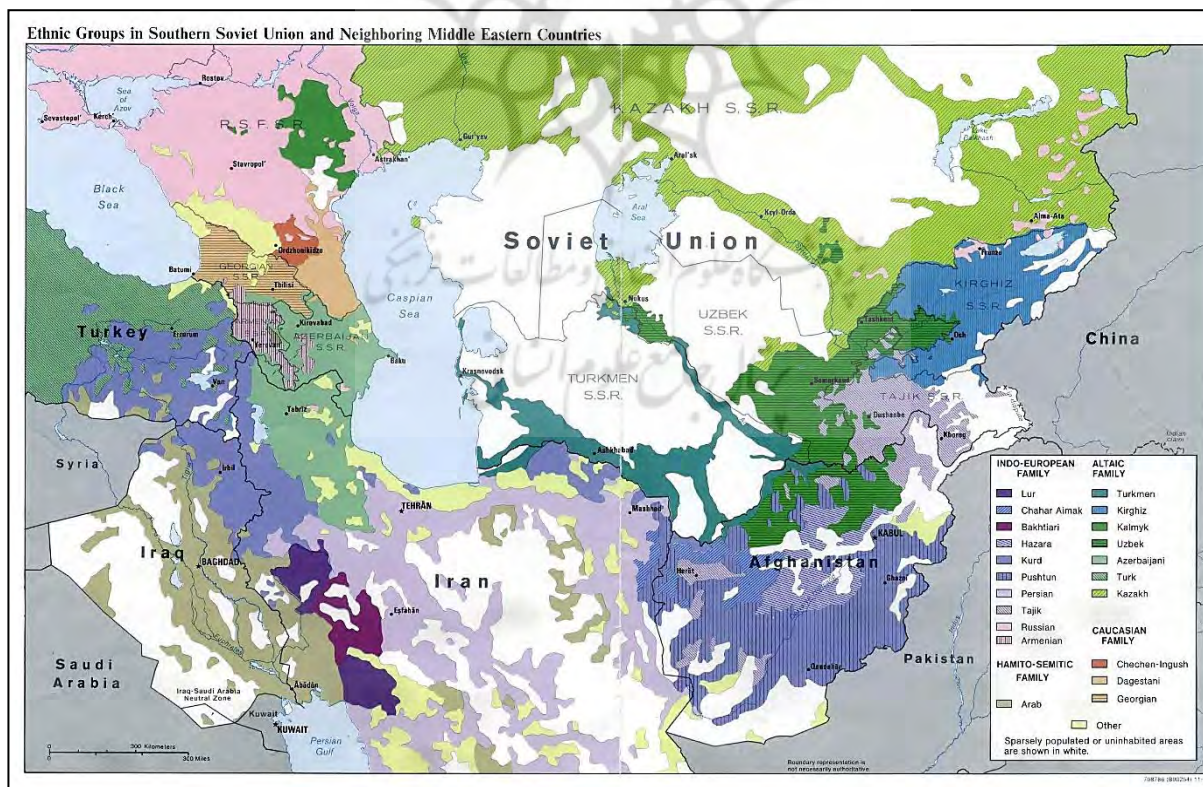
نقشه شماره ۴- اقوام ترکمن در جغرافیای قومی ایران

منبع: <http://www.oilempire.us/iran.html>

اکثر ترکمن‌های ایران در استان گلستان، یعنی شهرهای گنبد، بندر ترکمن و مراوه‌تپه ساکن‌اند. نواحی ترکمن نشین آسیای مرکزی، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در قالب دولت مستقل ترکمنستان، هویت ملی جدیدی یافت و قوم ترکمن صاحب دولت ملی خاص شد (حسین زاده و شریفی، ۱۳۹۳).

ترکمن‌ها که نسبت به دیگر اقوام حاشیه‌ای ایرانی، قلمرو فضایی محدودتری دارند، همانند اقوام کرد و بلوچ در سه خصیصه و متغیر زبان، قومیت و مذهب از بخش مرکزی ایران متمایزند و بالعکس با کشور ترکمنستان در این سه ویژگی اشتراک و تجانس دارند. ترکمن‌ها مسلمان اهل سنت و حنفی مذهب‌اند. تأثیر اسلام بر این قوم چنان بود که حتی در مورد پیدایش کلمه ترکمن گفته شده که این واژه به دنبال مسلمان شدن آن‌ها در اواخر قرن دهم میلادی ظاهر شده است (شاهکویی، ۱۳۹۰).

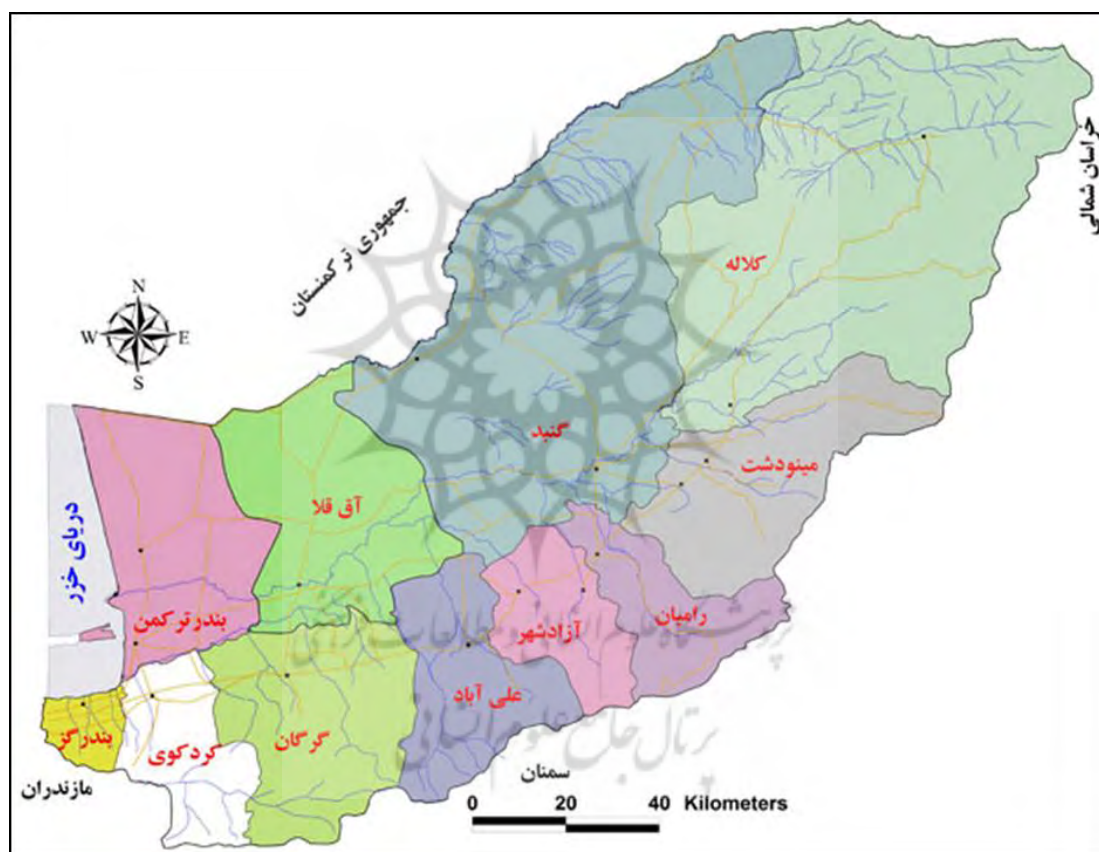
از لحاظ قومی، ترکمن‌ها خود را از نیای مشترک «آغوز» می‌دانند و احتمالاً یکی از مبانی هم‌گرایی میان ترکمنستان و ترکیه در روابط خارجی، همین انگاره مشترک نژادی - قومی است. ترکمن‌ها خود به طوایف و گروه‌های مختلفی (یموت، گوگلان و...) تقسیم می‌شوند. به دنبال تعرضات اقوام ترکمن به شهرهای خراسان و ناکامی دولت قاجار در رفع این معضل، طی قرارداد آخال که در سال ۱۸۸۱ میلادی میان ایران و روس منعقد گردید، منطقه آسیای مرکزی به روس‌ها واگذار شد و مرزهای شمال شرقی کشور در حدود کنونی تعیین و تثبیت شد (شاهکویی، ۱۳۹۰). با جابه‌جایی خطوط مرزی، قلمرو قوم ترکمن نیز به دو قطعه فضایی تقسیم شد و مرزهای سیاسی، میان قبایل و عشایر ترکمن جدایی انداخت و بیلاق و قشلاق آن‌ها را با بحران مواجه ساخت. از سوی دیگر، عملیات تخته‌قاپو کردن (اسکان اجباری) عشایر ترکمن توسط رضاشاه و تصرف تدریجی اراضی منطقه و تبدیل آن‌ها به خالصه‌های دولتی، عرصه را بر ترکمن‌ها تنگ کرد و ساختار اقتصادی و اجتماعی عشایری آن‌ها را با آسیب کلی مواجه ساخت (دیلم کتولی و دیلم کتولی، ۱۳۹۵: ۱۷۲).



نقشه شماره ۵- پراکندگی قوم ترکمن در منطقه غرب آسیا و آسیای میانه و ففقا

منبع: <http://www.oilempire.us/iran.html>

استان گلستان از نظر جغرافیایی بین ۵۳ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی در محدوده منطقه معتدله شمالی در شمال کشور واقع است (صحنه و معماری (۱۳۹۶). این استان از شمال به کشور ترکمنستان، از شرق به استان خراسان و از غرب به دریای خزر و استان مازندران و از جنوب به استان سمنان محدود است. گلستان نام جدید سرزمین تاریخی است که در طول تاریخ و تا سده هفتم هجری به نام ایالت گرگان و از آن پس تا آغاز سده دهم به نام استرآباد و در نوشته‌های دوران اولیه اسلامی به نام (جرجان) و از اسفند ۱۳۱۶ گرگان نامیده شده است (کردی، ۱۳۸۵). این استان تا سال ۱۳۷۶ بخشی از استان مازندران بود، اما در آن سال به صورت استانی مستقل درآمد و شهرستان گرگان به عنوان مرکز آن برگزیده شد. بیش‌تر شهرهای کنونی استان از دیرینگی چندانی برخوردار نیستند و از بزرگ شدن روستاها به وجود آمده‌اند و به عبارتی روستا شهر به شمار می‌آیند (هویان، ۱۳۷۸: ۴۰).



نقشه شماره ۶- موقعیت استان گلستان و مرکز آن شهر گرگان

منبع: (<https://www.semanticscholar.org>)

یافته‌های پژوهش

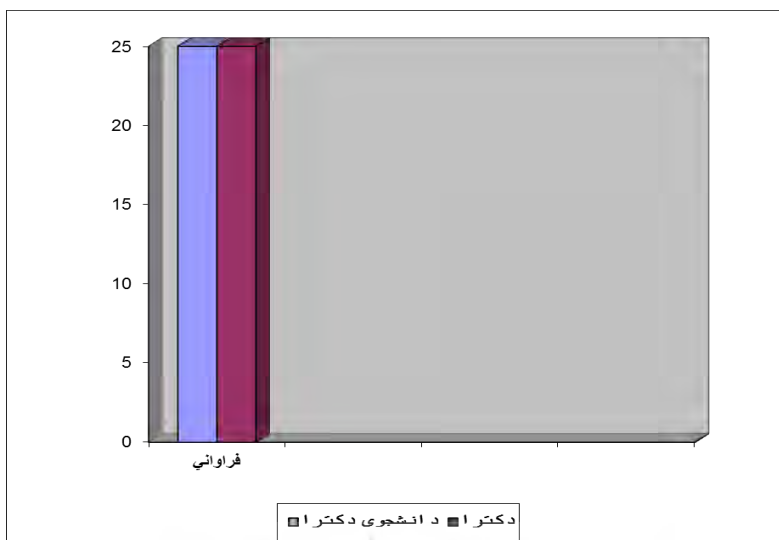
۱- یافته‌های توصیفی

جدول شماره ۱- توزیع پاسخگویان برحسب مدرک تحصیلی (تعداد، درصد)

مدرک تحصیلی	تعداد	درصد
دانشجوی دکترا	۲۵	۵۰
دکتر	۲۵	۵۰
جمع	۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان با ۶۶/۶ درصد به مناطق شهری و ۳۳/۴ درصد آن‌ها به مناطق روستایی تعلق داشتند.



نمودار شماره ۱- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب محل سکونت (تعداد، درصد)

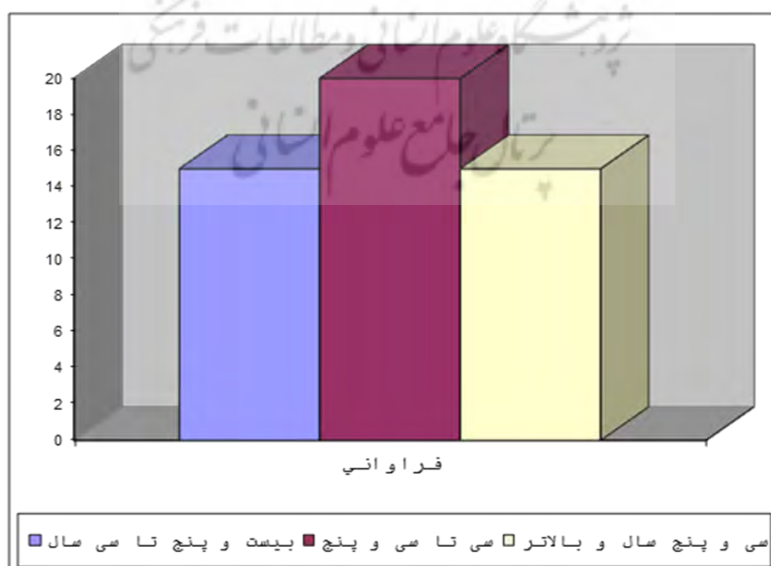
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۵-۲- توزیع جامعه نمونه مورد بررسی برحسب سن (تعداد، درصد)

سن	تعداد	درصد
۲۵-۳۰ سال	۱۵	۳۰
۳۰-۳۵ سال	۲۰	۴۰
۳۵ سال و بالاتر	۱۵	۳۰
کل	۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول نشان می‌دهد، ۲۷/۳ درصد پاسخگویان مورد بررسی دارای سن ۲۵-۱۵ سال، ۴۲ درصد سن ۳۵-۲۵ و ۳۰/۶ درصد دارای سن ۳۵ سال و بالاتر بودند.



نمودار شماره ۲- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب سن (تعداد، درصد)

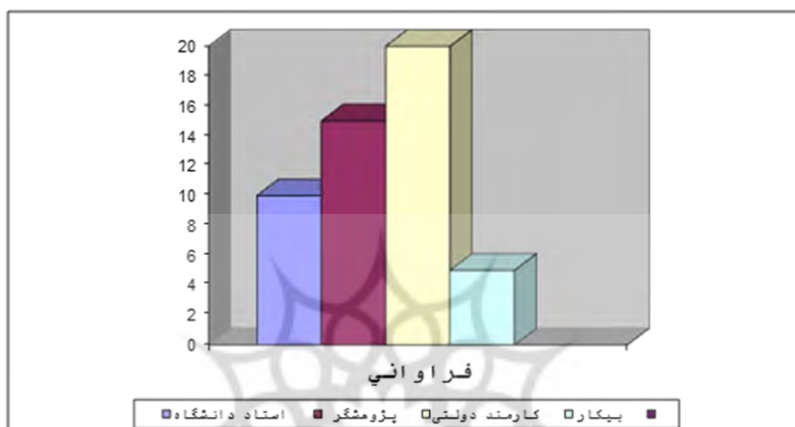
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۳- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب شغل (تعداد، درصد)

سطح تحصیلات	تعداد	درصد
استاد دانشگاه	۱۰	۲۰
پژوهشگر	۱۵	۳۰
کارمند دولتی	۲۰	۴۰
بیکار	۵	۱۰
کل	۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول نشان می‌دهد، ۲۰ درصد پاسخگویان استاد دانشگاه و ۳۰ درصد پژوهشگر و ۴۰ درصد کارمند دولتی و ۱۰ درصد بیکار بودند.



نمودار شماره ۳- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب شغل (تعداد، درصد)

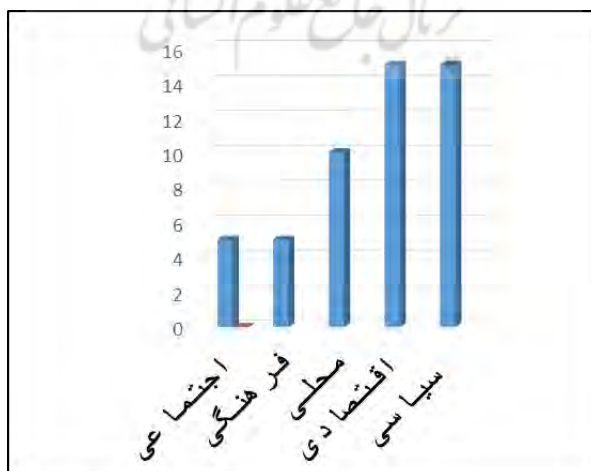
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۴- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب اولویت دادن نوع مشارکت اقوام

نوع مشارکت سیاسی	سیاسی	اقتصادی	محلی	فرهنگی	اجتماعی	کل
فراوانی	۱۵	۱۵	۱۰	۵	۵	۵۰
درصد	۳۰	۳۰	۲۰	۱۰	۱۰	۱۰۰ درصد

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان مورد بررسی با ۳۰ درصد مشارکت سیاسی و اقتصادی اقوام را ارجح‌تر دانسته‌اند.



نمودار شماره ۴- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب اولویت دادن نوع مشارکت اقوام

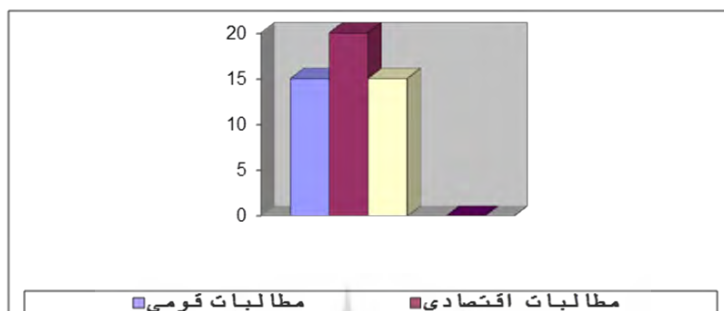
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۵- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب بیان انگیزه‌های مشارکت اقوام در ایران (تعداد، درصد)

انگیزه مشارکت اقوام در ایران	تعداد	درصد
مطالبات قومی	۱۵	۳۰
مطالبات اقتصادی	۲۰	۴۰
مطالبات فرهنگی - اجتماعی	۱۵	۳۰
جمع	۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب بیان انگیزه‌های مشارکت اقوام در ایران نشان می‌دهد که بیشترین تعداد پاسخگویان مورد بررسی به ترتیب مطالبات قومی، اقتصادی و مطالبات فرهنگی - اجتماعی بیان نمودند.



نمودار شماره ۵- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب بیان انگیزه‌های مشارکت اقوام در ایران (تعداد، درصد)

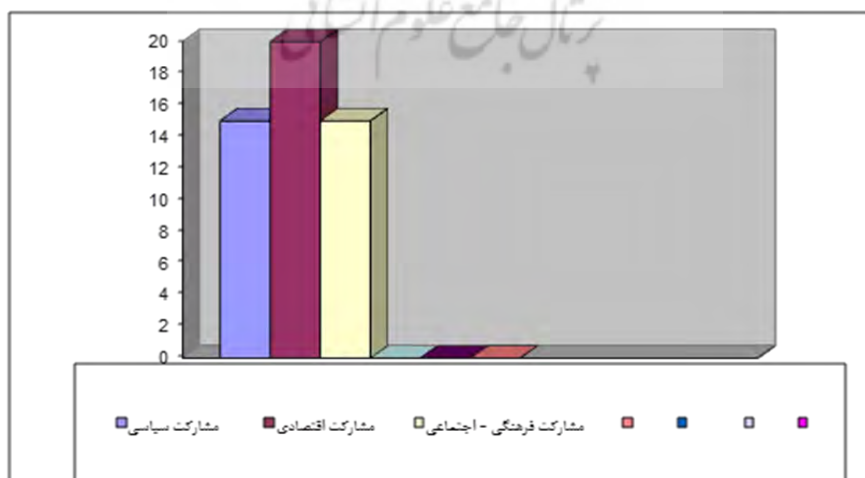
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۶- توزیع پاسخگویان برحسب بیان نوع مشارکت ایدئال اقوام (تعداد، درصد)

نوع مشارکت ایدئال اقوام	تعداد	درصد
مشارکت سیاسی (احزاب بومی و ملی، راهپیمایی‌ها و تجمعات ملی و محلی)	۱۵	۳۰
مشارکت اقتصادی	۲۰	۴۰
مشارکت فرهنگی - اجتماعی	۱۵	۳۰
کل	۱۵۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان مورد بررسی با درصد ۴۰ درصد نوع مشارکت ایدئال اقوام را مشارکت سیاسی (احزاب بومی و ملی، راهپیمایی‌ها و تجمعات ملی و محلی) و سپس اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی با ۳۰ درصد دانستند.



نمودار شماره ۶- توزیع پاسخگویان برحسب بیان معیار رضایت از مشارکت سیاسی (تعداد، درصد)

منبع: یافته‌های پژوهش

۲- یافته‌های تحلیلی

برای بررسی فرضیه اصلی مطرح شده در این تحقیق، آزمون فرضیه‌ای به شکل زیر مطرح گردیده است:

۱- به نظر می‌رسد که هر زمان که دولت مرکزی به اقوام و گروه‌های قومی توجه کرده، ساختار سیاسی ما شاهد مشارکت و

همیاری و همسویی آن‌ها با خواست‌های تدوین شده حاصل از سیاست‌گذاری‌های از سوی مرکز بوده‌ایم. H_1

۲- به نظر می‌رسد که هر زمان که دولت مرکزی به اقوام و گروه‌های قومی توجه کرده، ساختار سیاسی ما شاهد مشارکت و

همیاری و همسویی آن‌ها با خواست‌های تدوین شده حاصل از سیاست‌گذاری‌های از سوی مرکز نبوده و نیستیم. H_0

برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از آزمون دو جمله‌ای بهره گرفته شده است که در آن مشارکت اقوام با توجه به

متغیرهای مطرح شده در پرسشنامه، در پنج سطح بسیار کم (با امتیاز ۱)، کم (با امتیاز ۲)، متوسط (با امتیاز ۳)، زیاد

(با امتیاز ۴) و خیلی زیاد (با امتیاز ۵) مورد سؤال قرار گرفته شده است. نتایج به دست آمده در مقایسه با امتیاز ۳

(سطح متوسط) به دست آمده است که نتایج حاصل از این آزمون در جدول ذیل آمده است:

جدول شماره ۷- نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به تأثیر سیاست‌های قومی دولت بر سطح مشارکت سیاسی در استان گلستان

شاخص	گروه بندی	تعداد	نسبت مشاهده شده	نسبت آزمون	عدد معنی داری
مشارکت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی	گروه $3 > 1$	۳۰	۰/۵۴	۰/۵۰	۰/۰۰۰۴
	گروه $3 < 2$	۲۰	۰/۴۶		

منبع: یافته‌های پژوهش

و با توجه به نتایج حاصل از آزمون آماری صورت گرفته و با توجه به آن که عدد معنی داری مشاهده شده برابر با

۰/۰۰۰۴ بوده و از سطح معنی داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر است، لذا فرضیه H_0 مبنی بر این که هر زمان که دولت

مرکزی به اقوام و گروه‌های قومی توجه کرده، ساختار سیاسی ما شاهد مشارکت و همیاری و همسویی آن‌ها با

خواست‌های تدوین شده حاصل از سیاست‌گذاری‌های از سوی مرکز نبوده و نیستیم در سطح اطمینان ۹۵ درصد

تائید نمی‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که هر زمان که دولت مرکزی به اقوام و گروه‌های قومی توجه کرده،

ساختار سیاسی ما شاهد مشارکت و همیاری و همسویی آن‌ها با خواست‌های تدوین شده حاصل از

سیاست‌گذاری‌های از سوی مرکز نبوده و نیستیم. علاوه بر این در اینجا به منظور نشان دادن اثر هر یک از متغیرهای

مستقل بر روی متغیر وابسته، با کنترل سایر متغیرهای مستقل، از روش‌های تحلیل چند متغیری شامل تحلیل رگرسیون

چند متغیری و تحلیل مسیر استفاده شده است:

جدول شماره ۸- نتایج آزمون آماری اثر مشارکت بر متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	مقدار آزمون F	سطح معنی داری
قومیت	$F=1/26$	۰/۲۷۵
مذهب	$T=2/294$	۰/۰۲۲
طبقه اجتماعی	$F=3/298$	۰/۰۳۸
گروه سنی (نسلی)	$T=0/253$	۰/۸۰۰
سرمایه اجتماعی	$F=2/814$	۰/۰۲۵
امنیت جامعه ای	$F=13/601$	۰/۰۰۰
استفاده از رسانه‌ها	$F=4/283$	۰/۰۱۴
سطح تحصیلات	$F=6/972$	۰/۰۰۰
جنسیت	$T=3/693$	۰/۰۰۰
وضعیت تاهل	$F=0/082$	۰/۹۷۰
وضعیت فعالیت	$F=5/431$	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۹- نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری

متغیرهای مستقل	ضرایب استاندارد Beta	t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	۸۵/۱۵۵	۶/۷۶۰	۰/۰۰۰
تحصیلات	۰/۲۷۴	۴/۳۱۴	۰/۰۰۰
امنیت جامعه‌ای	۰/۲۱۸	۴/۲۴۲	۰/۰۰۰
مذهب	۰/۱۲۳	۱/۹۵	۰/۰۵۰
قومیت	۰/۰۹۴	۱/۶۶۱	۰/۰۱۸
استفاده از رسانه‌ها	۰/۰۸۷	۱/۵۶۲	۰/۱۱۹
تاهل	۰/۰۶۷	۱/۰۹۱	۰/۲۷۶
فعالیت	۰/۰۵۰	۰/۸۶۴	۰/۳۸۸
سن	۰/۰۵۵	۰/۸۲۷	۰/۴۰۹
قومیت	۰/۰۵۰	۰/۴۰۱	۰/۶۸۹
طبقه اجتماعی	۰/۰۳۱	۰/۵۴۹	۰/۵۸۳
سرمایه اجتماعی	۰/۰۰۹	۰/۱۶۱	۰/۸۷۲
نتایج تحلیل واریانس	F	۴/۹۲۴	
سطح معنی داری	SIg	۰/۰۰۰	
ضریب همبستگی چندگانه	R	۰/۴۳۹	
ضریب تعیین	R2	۰/۱۹۳	

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحلیل رگرسیون حاکی از آن است که ضریب تعیین برابر ۰/۱۹۳ بوده و این مقدار بیانگر آن است که متغیرهای مستقل در مجموع حدود ۲۰ درصد از تغییرات مشارکت را توضیح داده‌اند. اثر خالص متغیر تحصیلات بر نوع مشارکت با ضریب $B=0/274$ بیشتر از دیگر متغیرهای مستقل است و بعد از آن به ترتیب متغیرهای مستقل امنیت جامعه‌ای با $B=0/218$ و مذهب با $B=0/123$ و سپس جنسیت با $B=0/094$ قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است با توجه به اینکه در دیدگاه اینگلهارت سه حوزه سیاسی (حاکمیتی)، اقتصادی و اجتماعی قدرت تبیین فرهنگ سیاسی هر جامعه را دارند، بنظر می‌رسد که ۱۳ درصد تبیین متغیرهای اجتماعی در تحقیق حاضر نسبتاً مناسب و معقول است. البته باید توجه داشت حضور برخی متغیرها در مدل اگر چه ممکن است رابطه مستقیم قابل توجهی برای متغیر وابسته نهایی در پی نداشته باشد اما اثر غیر مستقیم آن‌ها امکان دارد قابل ملاحظه باشد. در این جا به منظور تفکیک و بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل از روش تحلیل مسیر سود جستیم.

آزمون فرضیه فرعی اول:

به نظر می‌رسد تشویق اقوام متنوع در ایران به حذف ناسیونالیسم افراطی قومی و نهادسازی سازمانی، بستری برای مشارکت نظام‌مند در متن نظام سیاسی فراهم نمی‌سازد. H_0

به نظر می‌رسد تشویق اقوام متنوع ایران به حذف ناسیونالیسم افراطی قومی و نهادسازی سازمانی، بستری برای مشارکت نظام‌مند در متن نظام سیاسی فراهم می‌سازد. H_1

نتایج حاصل از آزمون تک نمونه‌ای فرضیه فرعی اول در جداول ذیل آمده است:

جدول شماره ۸- آزمون فرضیه فرعی اول

شاخص	آماره t	درجه آزادی	عدد معنی داری
رابطه تشویق اقوام متنوع در ایران به حذف ناسیونالیسم افراطی قومی و نهادسازی سازمانی، با مشارکت نظام‌مند در متن نظام سیاسی	۱۲/۱۰۴	۲۳۸	۰/۰۰۰۷

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به خروجی SPSS، شماره t، محاسبه شده برابر با (۱۲/۱۰۴) است. مقدار عدد معنی‌داری مشاهده شده برابر ۰/۰۰۰۷ بوده است که از سطح معنی‌داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر است. لذا فرضیه Ho در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود؛ یعنی می‌توان گفت که تشویق اقوام متنوع در ایران به حذف ناسیونالیسم افراطی قومی و نهادسازی سازمانی، بستری برای مشارکت نظام‌مند در متن نظام سیاسی فراهم می‌سازد.

آزمون فرضیه فرعی دوم:

چنانچه احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی قرار گیرد موجب عوارض امنیتی در کشور نیست. H0

چنانچه احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی قرار گیرد موجب عوارض امنیتی در کشور است. H1

جدول شماره ۹- شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی

شاخص	تعداد پاسخ‌دهندگان	میانگین امتیازات	انحراف معیار
احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی	۵۰	۳/۵۳	۰/۷۱

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱۰- آماره آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به شاخص احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی

شاخص	آماره t	درجه آزادی	عدد معنی‌داری
احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی	۱۱/۴۹	۲۳۸	۰/۰۰۰۵

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل آماری صورت گرفته، آماره t محاسبه شده برابر با (۱۱/۴۹) است. مقدار عدد معنی‌داری مشاهده شده برابر ۰/۰۰۰۵ بوده است که از سطح معنی‌داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر است. لذا فرضیه Ho در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود؛ یعنی می‌توان گفت که چنانچه احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی قرار گیرد موجب عوارض امنیتی در کشور است.

آزمون فرضیه فرعی دوم:

سه عامل زبان، مذهب، قومیت سبب می‌گردد؛ اقوام در ایران قائل به هویتی متفاوت باشند. H1

سه عامل زبان، مذهب، قومیت سبب می‌گردد؛ اقوام در ایران قائل به هویتی متفاوت نباشند. H0

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای در مورد شاخص رابطه زبان، مذهب، قومیت با احساس تفاوت هویتی در جداول ذیل آمده است:

جدول شماره ۱۱- رابطه زبان، مذهب، قومیت با احساس تفاوت هویتی

شاخص	تعداد پاسخ‌دهندگان	میانگین امتیازات	انحراف معیار
رابطه زبان، مذهب، قومیت با احساس تفاوت هویتی	۵۰	۳/۵۵	۰/۷۰

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱۲-۵- آماره آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به شاخص رابطه زبان، مذهب، قومیت با احساس تفاوت هویتی

شاخص	آماره t	درجه آزادی	عدد معنی‌داری
رابطه زبان، مذهب، قومیت با احساس تفاوت هویتی	۱۲/۱۰	۲۳۸	۰/۳۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به خروجی SPSS آماره t محاسبه شده برابر با (۱۱/۴۹) است. مقدار عدد معنی‌داری مشاهده شده برابر ۰/۰۰۰۳ بوده است که از سطح معنی‌داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر است. لذا فرضیه Ho در سطح اطمینان ۹۵ درصد

تائید نمی‌شود؛ یعنی می‌توان گفت که سه عامل زبان، مذهب، قومیت سبب می‌گردد؛ اقوام در ایران قائل به هویتی متفاوت باشند.

آزمون فرضیه فرعی چهارم:

سبکی وزنه مدیریت سیاسی به نسبت وزنه جمعیتی و احساس محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز در ایران احساس هویت متفاوت در قومیت‌ها را تشدید می‌کند. H1

سبکی وزنه مدیریت سیاسی به نسبت وزنه جمعیتی و احساس محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز در ایران می‌تواند احساس هویت متفاوت در قومیت‌ها را تشدید نمی‌کند. H0

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای در مورد احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد در جداول ذیل آمده است:

جدول شماره ۱۳- شاخص سبکی وزنه مدیریت سیاسی به نسبت وزنه جمعیتی و احساس محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز

شاخص	تعداد	میانگین امتیازات	انحراف معیار
شاخص سبکی وزنه مدیریت سیاسی به نسبت وزنه جمعیتی و احساس محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز	۲۳۹	۳/۴۸	۰/۸۸

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱۴- آماره آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به شاخص احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد

شاخص	آماره t	درجه آزادی	عدد معنی‌داری
شاخص سبکی وزنه مدیریت سیاسی به نسبت وزنه جمعیتی و احساس محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز	۸/۳۹	۲۳۸	۰/۰۰۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل آماری صورت گرفته، آمارها محاسبه شده برابر با (۱۱/۴۹) است. مقدار عدد معنی‌داری مشاهده شده برابر ۰/۰۰۰۲ بوده است که از سطح معنی‌داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر است. لذا فرضیه H0 در سطح اطمینان ۹۵ درصد تائید نمی‌شود؛ یعنی می‌توان گفت که سبکی وزنه مدیریت سیاسی به نسبت وزنه جمعیتی و احساس محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نسبت به مرکز در ایران احساس هویت متفاوت در قومیت‌ها را تشدید می‌کند.

موضوع تنوع قومی و فرهنگی از آنجایی که در ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با موضوعات و مقولاتی همچون «وحدت و یکپارچگی ملی» و «هویت ملی» و نیز «امنیت ملی» است از این رو ویژگی «تنوع و تکثر» در جامعه ایرانی به مثابه شمشیر دو تیغی است که هم می‌تواند فرصت باشد و هم به عنوان یک تهدید تلقی گردد. لذا یادآوری این نکته بسیار ضروری است که هیچ‌گاه طرح مسئله قومیت‌ها ناقض اندیشه «اتحاد» یا منکر اصل «وحدت ملی» نیست، بلکه عدم پرداختن به این‌گونه مسائل یا به حاشیه می‌تواند تهدیدی برای «وحدت و اتحاد ملی» باشد ولی پیش از هر چیز باید ذهنیت خود را از انگاره‌ها و نگرش‌های مطلق‌گرا و دیدگاه‌های یک‌سویه نگر که متأسفانه به شکل برجسته‌ای در ادبیات سیاسی ما و به ویژه در برخورد با مسئله قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف نمود می‌یابند، بزداییم. در شرایط حال حاضر آنچه بیش از پیش بر اهمیت موضوع مورد بحث افزوده و به آن ابعاد فرامرزی، منطقه‌ای و جهانی بخشیده است (Turner, 2003). در واقع متأثر از عواملی است که نقش بسزایی در فراهم آوردن امکان درک بهتر مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را برای انسان‌ها دارند که عبارت‌اند از: انقلاب در

عرضه ارتباطات و اطلاعات، از بین رفتن حدود و فواصل و موانع جغرافیایی و مرزهای فرهنگی، ارتقا و رشد سطح آگاهی‌های عمومی و نیز شناخت مردم نسبت به هویت‌های فردی و گروهی خود (Olsen & Hovden, 2007).

تهدیدات ناشی از تنوع و تعدد قومی عبارت‌اند از:

۱- منازعات قومی: بحران‌های عمده سیاسی در تاریخ معاصر ایران و جنبش‌های دسته‌جمعی عمده قومی. جدائی‌طلبی یا خودمختاری خواهی: تحرکات قوم‌گرایانه در ایران هرگاه با اهداف استراتژیک قدرت‌های بزرگ همخوانی داشته، چالش‌های جدی را برای حاکمیت ملی ایجاد کرده است. این چالش‌ها که گاه منشأ داخلی و یا خارجی داشته در کنار عواملی همچون نابرابری‌های اقتصادی، تحقیر و نادیده انگاری هویت‌های قومی، وجود گسست‌های فضایی، زمینه‌های مناسبی برای ظهور گرایش‌های تجزیه طلبانه بوجود آورده‌اند (Gimpel & Wendyk, 2004).

۲- ضعف انسجام ملی «همگرایی و واگرایی»

نقش قومیت غالب در ایجاد نابرابری‌های اجتماعی: اگر نفوذ بخش مرکزی در کانون‌های قدرت به توزیع نابرابر شاخص‌های توسعه و رفاه اجتماعی در پهنه سرزمین منجر گردد، احساس عقب‌ماندگی در اقوام پیرامونی زمینه را برای نوعی واگرایی فراهم می‌آورد (Entesar, 1992).

دفاع و حراست از تمامیت ارضی: دفاع از تمامیت ارضی و سرحدات کشور بخشی از وظائف ذاتی همه حکومت‌های سیاسی است. این امر وقتی گرداگرد سرزمین ملی موزاییکی از اقوام مختلف باشد اندکی دشوارتر خواهد بود (Baranton, 2009).

در ایران مرزهای قومی با مرزهای سیاسی منطبق نیستند و زیانه‌های قومیت‌ها به آن سوی مرزها کشیده شده است. یکی از مهم‌ترین اموری که زمامداران حکومت باید تدبیر کارآمدی در مورد آن داشته باشند تقویت حمیت و انسجام ملی است. چه در این صورت، اقوام پیرامونی خود همانند سدی محکم در برابر تجاوزات و تهدیدات احتمالی خارجی و توطئه‌های عناصر داخلی مقاومت می‌نمایند. جنگ تحمیلی نشان داد که در پرتو تعالیم عالیه دینی و انگیزه‌های مقدس وطن دوستانه جوانان خرمشهری و آبادانی با رشادت تمام از تمامیت ارضی کشور دفاع کردند و در این دفاع مقدس ترک و لر و ترکمن آنان را همراهی و یاری نمودند.

آسیب‌های امنیتی ناشی از مناقشات اقوام مشابه در کشورهای هم‌جوار عبارت‌اند از:

۱- هزینه بالای حفظ انسجام ملی

تحریک‌پذیری از سوی دشمنان و قدرت‌های بزرگ: نگاهی به چالش‌های قومی یک‌صد ساله اخیر به‌ویژه بعد از تحولات مشروطه‌خواهی و جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که گرایش‌ها قومی در ایران، مورد توجه قدرت‌های خارجی و ابزار اعمال فشار آنان بر حکومت مرکزی بوده است. در اغلب بحران‌های جدایی طلبانه یا چالش‌های سیاسی قوم‌گرایانه، علائق و گرایش‌های قومی دستمایه دخالت نیروهای بیگانه در سرنوشت کشور و تضعیف حاکمیت ملی توسط گروه‌های قومی به نفع کشورهای قدرتمند غربی و شرقی بوده است. تحرکات فرقه دمکرات در آذربایجان و شیخ خزعل در خوزستان بعد از انقلاب مشروطه و احزاب و گروه‌های مسلح در کردستان و غائله «خلق عرب» در خوزستان بعد از انقلاب اسلامی و برخی چالش‌های قومی در آذربایجان، خوزستان، ترکمن صحرا

و بلوچستان در سال‌های اخیر به وضوح نقش عوامل خارجی در شکل‌گیری منازعات قومی و تقویت ناسیونالیسم قومی را نمایان می‌سازد.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

جامعه ایران از ملیت‌های متعددی تشکیل شده است. آمارهای گوناگونی درباره جمعیت این گروه‌ها وجود دارد. ارقام آمارهای دولتی و آمارهای منتشر شده توسط هر یک از ملیت‌های ساکن ایران با یکدیگر تفاوت دارند اما به هر حال آمار تقریبی مورد توافقی درباره جمعیت هر کدام از ملیت‌ها وجود دارد که ممکن است تا اندازه‌ای کم و زیاد شود. بررسی پیشینه تاریخی اقوام در ایران نشان می‌دهد که گروه‌های قومی از قوانین تبعیض‌آمیز به ویژه در مورد زبان، مذهب و حقوق مدنی آزرده بودند. در انقلاب مشروطه حقوق این گروه‌ها در نظر گرفته نشد و در زمان پهلوی نیز نشر و توزیع روزنامه‌ها، مجلات و کتب زبان‌های قومی به شدت منع شده و حتی درج اسم مغازه‌ها و بنگاه‌های تجاری به زبان قومی ممنوع بود و پلیس در بعضی مناطق قومی حتی رفت و آمد اهالی را کنترل می‌کرد. تبعیض در اختصاص وام بانک‌ها و ایجاد صنایع بین مناطق فارس نشین و مرکزی به نسبت مناطق قومی مشهود بود. مردم استان‌های فارس نشین ۸۰ درصد شهرنشین شده‌اند، در حالی که مناطق مرزی مثل ایلام، کردستان و سیستان و بلوچستان حدود ۲۰ درصد شهرنشین هستند. استان‌های مرکزی و ترک‌زبان دارای رفاه هستند، اما کردستان و بلوچستان محروم‌اند. موقعیت جغرافیایی، مرزنشینی و حاشیه‌گزینی اقوام، بر درجه آسیب‌زدایی و تهدید آفرینی متغیر قومیت در امنیت ملی ایران می‌افزاید و از نظر میزان انسجام اجتماعی و در صورت عدم مدیریت موضوع کشور را در زمره کشورهای ضعیف قرار می‌دهد، زیرا هویت‌های خرده ملی در برابر هویت ملی صف‌آرایی می‌کنند و زمینه شکاف طبقاتی و ساخت ارتباطی مرکز - پیرامون بین دولت و نواحی قومی را افزایش می‌دهد، نهایتاً جهت برخورد ریشه‌ای با علل بروز ناآرامی و اغتشاش در مناطق قومیت نشین در دو بعد داخلی و خارجی با محوریت پنج حوزه اصلی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی (داخلی) و تحریکات قومی و قبیله‌ای (خارجی) در ذیل مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

جمهوری اسلامی ایران با تمدنی چند هزار ساله دارای ملتی متشکل از اقوام مختلف در ساختار جمعیتی خود است که این تنوع قومیتی تاکنون در نگاه برخی از برنامه‌ریزان و مدیران کلان‌کشوری به عنوان آسیب به انسجام کشور و گاهی نیز تهدیدی برای امنیت ملی به شمار رفته ولی واقعیت این است اگر با رویکرد ایجابی به قومیت نگاه شود فرصت‌های طلایی را می‌توان برای توسعه داخلی و تحکیم روابط منطقه‌ای با کشورهای همسایه پیدا کرد که حتی برخی از کشورهای توسعه یافته دنیا مانند کانادا، آمریکا و کشورهای اروپایی برای تنوع قومی با صرف هزینه‌های فراوان در جهت تسهیل مهاجرت اقوام مختلف به کشورها خود اقدام می‌کنند و خداوند متعال این موهبت را به ج.ا.ایران با اقوام مختلف در طول تاریخ عطا کرده است و هم‌اکنون این اقوام خود را ذاتاً متعلق به ایران دانسته و سالیان سال در کنار هم به آبادانی و اعتلای نام آن در پهنه گیتی همت گمارده‌اند. اکثر ملت ایران قوم فارس بوده و بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، ۷۳ الی ۷۵ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. بعد از فارس‌ها، آذری‌ها ۱۵ الی ۱۷ درصد هستند و ۳/۵ الی ۵ درصد به سومین گروه قومی، یعنی کردهای سنی و شیعه در غرب کشور اختصاص دارد و سپس قوم عرب در جنوب و غرب با ۳ درصد و قوم بلوچ ۲ درصد و ترکمن‌ها ۱/۵ درصد از کل جمعیت کشور

را تشکیل می‌دهند. موقعیت جغرافیایی به عنوان یکی از عوامل ثابت جغرافیایی، در کنار وسعت خاک و موقعیت توپوگرافیک در ارتباط با نقش و کارکرد گروه‌های قومی تأثیر متفاوتی را بر جای می‌گذارد. مشخصاً برای قومیت‌ها، موقعیت مناسب جغرافیایی امکان طرح درخواست‌های هویتی قومی را فزونی می‌بخشد. این موقعیت مناسب از نظر قومیت‌ها در ویژگی‌های زیر تبلور می‌یابد: ۱- استقرار در حاشیه مرزها: بعد مسافت مانع از دسترسی سریع و کم هزینه قوای نظامی دولت مرکزی به این مناطق می‌شود و در مقابل امکان تحرکات قومی را فراهم می‌نماید.

۲- وجود جمعیتی از هم تباران خونی و فرهنگی در آن سوی مرز: استقرار جمعیت مشابه به لحاظ آیینی، زبانی، فرهنگی و نژادی در آن سوی مرز پشتوانه مناسبی برای قومیت‌هاست. موقعیت مناسب توپوگرافیک: وجود ناهمواری‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها، رودها و خط مسیر مرزها، بستر مناسبی برای رهبران قومی در طرح درخواست‌های خود در برابر دولت مرکزی پدید می‌آورد. موضوع تنوع قومی در متن ژئوپلیتیک ایران فرصت‌های توسعه کشور را فراهم می‌سازد. داشتن قومیت‌های مشابه در کشورهای همسایه می‌تواند از طریق مراودات فرهنگی و ارتباطات مردمی صورت پذیرد و زمینه‌ساز نفوذ فرهنگی ایران شود. با رشد فرآیند خودآگاهی قومی و تلاش فرهنگی به‌عنوان راهبردهای مهم نظام می‌توان با گسترش آموزش مدارس و مراکز آموزش عالی، بخشی از فارغ‌التحصیلان و نخبگان علمی هر قومی را به فرهنگ ایران اسلامی آشنا نمود و دایره دیپلماسی عمومی کشور را تا شعاع منطقه‌ای تقویت نمود. قومیت در ابعاد داخلی و خارجی می‌تواند برای یک کشور مزیت‌ها و ظرفیت‌هایی را ایجاد نماید که می‌بایست به ابعاد مثبت وجود اقوام مختلف در مجموعه یک کشور توجه و از این پتانسیل استفاده بهینه نمود که ابعاد داخلی و خارجی تنوع قومیتی را به تفصیل به شرح ذیل بیان می‌کنیم:

۱- عوامل داخلی

بسیاری از شهرهای ایران بنا به دلایل تاریخی و پیش گفته و مدت‌ها پیش از آن که بحث عقب افتادگی و یا عقب نگهداشته شدن ... باب گردد، شهرهایی چون تهران، تبریز، شیراز و اصفهان از مراکز عمده جمعیتی نیز بودند و بعدها در اولین تقسیمات کشوری در دوران رضا شاه تحت عنوان مراکز استان توسعه بیشتری پیدا کردند. در حالی که بسیاری از استان‌های توسعه نیافته امروز زیر مجموعه این مناطق محسوب شدند. عامل دیگر، مرزنشینی و دوری از مرکز است. امروزه تقریباً در همه جای دنیا و حتی در کشورهای توسعه یافته دوری از مناطق مرکزی کشور و مرزنشینی مانعی در مسیر دسترسی برابر شهروندان به امکانات و منابع موجود در کشور است؛ به عبارت دیگر توسعه نیافتگی شهرهای مرزی مختص ایران و یا کشورهای توسعه نیافته نیست. از طرف دیگر دوری از مرکز از ایجاد تعاملات سازنده میان نخبگان بومی و نخبگان مرکزی در جهت رشد و توسعه این مناطق جلوگیری می‌کند. همچنین نیروی انسانی ماهر و متخصص به دلیل سختی شرایط کار و تسهیلات زندگی و کمبود امکانات کمتر حاضر به فعالیت در این مناطق می‌شوند. خصوصاً اگر این مناطق مرزی همجوار با کشورهای بی‌ثبات و بحران زده- ای باشند که از بسیاری معضلات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی نظیر فقر، بی‌کاری، اعتیاد، قاچاق و مناقشات قومی و مذهبی و... در رنج‌اند. متأسفانه در ایران مناطق قومی خصوصاً استان‌های کردستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی و خوزستان، در مجاورت اقوام هم زبان خود در کشورهای عراق و ترکیه، افغانستان و پاکستان، ... زندگی می‌کنند و این کشورها اغلب گرفتار درگیری‌های قومی و فرقه‌ای هستند و متأسفانه در مقاطعی این درگیری-

ها حوزه‌های مرزی ایران را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و امنیت و ثبات بخشی از مناطق بومی کشور را تهدید نموده است. اگر چه ترس از ناامنی و بی‌ثباتی پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری صنعتی و عمرانی دولت در این مناطق را توجیه نمی‌کند اما بی‌تأثیر بر آن نبوده است. امروزه ثبات و امنیت مناطق رابطه مستقیمی با نرخ سرمایه‌گذاری در آن مناطق دارد لذا تشدید فضای نظامی و امنیتی در مناطق قومی کمک به توجه بیشتر دولت به سرمایه‌گذاری در این مناطق ننموده است.

متغیر مهم دیگر اقلیم و جغرافیای طبیعی است. آب و هوای خشن و خشک و کم آبی علاوه بر آن که دافع جمعیت است (استان سیستان و بلوچستان کم‌ترین تراکم جمعیت را در کشور داراست) تا حد زیادی نیز گذران زندگی و معیشت مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به طوری که در ایران استان‌های سیستان و بلوچستان، بخش‌هایی از استان مرکزی و خراسان و حاشیه شرقی و جنوب شرقی کشور از مشکلات عمده‌ای در این زمینه رنج می‌برند و تا حد زیادی هزینه‌های توسعه این مناطق را افزایش داده است.

۱- حوزه فرهنگی

تقویت روند تفاهم فرهنگی، تبادل اندیشه‌ها، نهادها و رواج ارزش‌های فرهنگی مثل شجاعت، عزت، احترام، تعهد، معرفت، اعتماد، صداقت در عمل و... مد نظر قرار دارد؛ زیرا عامل فرهنگی چون اختلافات نژادی، قومی و مذهبی و... از جمله عوامل پیدایش حوزه فرهنگی است.

۲- حوزه اجتماعی

هدف اصلی در این حوزه تقویت روابط اجتماعی اقوام در ابعاد چون نزدیک کردن روابط، شدت بخشیدن به مناسبات عاطفی و گرم کردن روابط و تنوع دادن به اشکال روابط است، زیرا عوامل‌های چون سطح پایین سواد یا بی‌سوادی و پائین بودن آگاهی مردم نیز از دیگر علت‌های شورش و آسیب رساندن و آشوب است.

۳- حوزه اقتصادی

اهداف سیاست قومی تقویت روابط مبادلاتی، کاهش نابرابری در بازار محلی، توزیع عادلانه فرصت‌ها، توسعه اقتصادی، توزیع یارانه‌ها و... است، زیرا بیکاری، مشکلات مسکن، تورم و گرانی، مشکلات اقتصادی و معیشتی قومیت‌ها همانند سایر مردم از جمله دغدغه‌های آن‌ها بوده و به دنبال تأمین حداقل نیازهای زندگی می‌باشند؛ و بی‌توجهی به خواسته‌های مشروع قومیت‌ها و عدم ارائه خدمات از جمله عوامل سلب اعتماد و زمینه بروز آشوب است. تا قبل از انقلاب اسلامی و در ابتدای تدوین برنامه اول عمرانی کشور برای سال‌های ۳۴-۱۳۲۸ هدف اصلی دولت بر توسعه قطب‌های کشاورزی و برخی قطب‌های صنعتی قرار داشت.

۴- حوزه سیاسی

هدف اصلی، احساس تعمق و یگانگی فرد با واحد سیاسی (کشور)، تقویت علاقه‌مندی به زاد و بوم و جدا کردن حق سرنوشت از حق تشکیل کشور مستقل (خودمختاری)، افزایش مشارکت سیاسی نهادینه شده، تمرکززدایی اداری و تقویت نهادهای مردمی در مناطق قومی است. زیرا فعالیت گروه‌های مخالف و معاند چه قانونی و چه غیرقانونی هریک به نوعی زمینه بروز آشوب را فراهم می‌آورد و گروه‌ها جهت رسیدن به اهداف و

مقاصد سیاسی (براندازی یا حزبی) سعی می‌کنند از پتانسیل موجود در قومیت‌ها به‌منظور بی‌ثباتی در اجتماع و جامعه سوء استفاده کنند و جهت رسیدن به قدرت و منافع حزبی اجتماع را به سمت اغتشاش هدایت می‌کنند.

۵- حوزه امنیتی

هدف اصلی برقراری حاکمیت، مقابله با تحریکات و نفوذهای خارجی و سرکوب ناسازگاران و افراد معاند داخل جامعه و بدنه نظام است. در این راستا آسیب‌شناسی از پدیده‌های آشوبگر و برخورد با این‌گونه موارد با ریشه‌یابی علل بروز بحران و... مشخص و اقدامات مقابله‌ای با این پدیده‌ها انجام گیرد.

۲- عوامل خارجی

۱- تحریکات قومی

کشورهای خارجی از هیچ کوششی برای از بین بردن و تضعیف حکومت فروگذار نیستند و یکی از شگردهای دشمنان به جهت ساختار ویژگی جمعیتی ایران تحریک و پشتیبانی از اقلیت‌های قومی است. ایران به جهت پراکندگی جمعیتی از نظر نژادی از این قاعده مستثنا نیست. دشمنان خارجی از حمایت سیاسی و مالی، رسانه‌ای و اطلاعاتی یا وعده‌های چون خودمختاری و از تحریکاتی چون ضایع شدن حقوق شهروندی و بی‌تأثیر بودن نظرات به دلیل در اقلیت قرار گرفتن، بی‌توجهی دولت مرکزی به خواسته‌ها و نظرات قومیت‌ها و... سوء استفاده کرده و زمینه آشوب و درگیری داخلی را فراهم می‌نمایند.

منابع

ابراهیمی، مرتضی (۱۳۹۴)، هویت ایرانی - اسلامی؛ بنیاد انسجام و اقتدار ملی، هشتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران همدلی اقوام ایرانی انسجام و اقتدار ملی، سندج، انجمن ژئوپلیتیک ایران، https://www.civilica.com/Paper-GEOPOLITICS08-GEOPOLITICS08_002.html

ابراهیمی، قربانعلی و علی‌بابا زاده بانی و حسین ابراهیمی گنابی (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی: (مطالعه دانشجویان عضو تشکل‌های انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاه‌های مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل)، فصلنامه Quarterly of Sociological Studies of Youth، شماره ۴.

آبیار، نورمحمد (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر توسعه کشت سویا در استان گلستان، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۸ احمدی، ا. (۱۳۸۳). «بحران هویت ملی و قومی در ایران»، احمدی (گردآورنده)، *ایران، هویت، ملیت، قومیت*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم اسلامی، صص ۱۳۳-۱۷۰.

احمدی، حمید (۱۳۷۶)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه یا واقعیت، فصلنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۵ و ۱۱۶ آزر، ادوارد و چونگ این مون (۱۳۸۸)، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

اطاعت، جواد (۱۳۷۴)، نظام انتخاباتی و نظام سیاسی مطالعه فرایند دموکراتیزاسیون در ایران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی. اطاعت، محمد جواد (۱۳۷۶)، مشارکت سیاسی در نظام‌های کثرت‌گرا، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۳ و ۱۲۴. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، انقلاب اسلامی و گسست‌های اجتماعی، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱۳. افتخاری، اصغر (۱۳۷۸)، ظرفیت طبیعی امنیت (مورد مطالعاتی قومیت و خشونت در ایران)، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶. افروغ، ع؛ و احمدلو، ح. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز»، *مطالعات ملی*، ش ۱۳، صص ۱۴۳-۱۰۹.

اکبری، غضنفر (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳.

امیرکافی، م؛ و حاجبانی، ا. (۱۳۹۲). «نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چند قومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری»، فصلنامه راهبرد، ش ۶۶، ص ۱۱۷-۱۴۶.

امیرکواسمی، ایوب (۱۳۷۵)، نگرشی جامعه‌شناسانه بر مشارکت سیاسی در رهیافت مدرنیست‌ها، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۶۰ و ۱۶۱.

آندرین، چارلز و دیوید اپتر (۱۳۷۸)، نظریه‌های تکثرگرا و گروه‌های اجتماعی، ترجمه میر قاسم بنی‌هاشمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴.

اوومن، ت. (۱۳۷۸). *شهروندی، ملیت، قومیت*، ترجمه: امیری، م. تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی.

ایمان، محمدتقی و علی‌اصغر مقدس (۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان مورد مطالعه: شهر شیراز، فصلنامه مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد (دانشکده ادبیات و علوم انسانی (مشهد))، دوره ۳۵، شماره ۳-۴ (پی در پی ۱۳۹-۱۳۸)

ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، تحلیل رفتار انتخاباتی رأی دهندگان بخش دوم، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۳۷ و ۱۳۸. ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، سیر تحول نظریه‌ها در مطالعات احزاب سیاسی: چهار دیدگاه در جامعه‌شناسی احزاب، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۷ و ۱۲۸.

بالمر، م؛ و سولوموز، ج. (۱۳۸۱). *مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم*، ترجمه: دلیرپور، پ؛ و کمال سروریان، م. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پناهی، محمدحسین و غلامرضا خوش فر (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی استان گلستان)، فصلنامه پژوهشنامه جامعه‌شناسی جوانان، دوره ۱، شماره ۲

توفیق، ا. (۱۳۸۸)، تأملاتی نظرورزانه درباره هویت ملی. ایرانی آسیب‌شناسی گفتمان‌های هویتی و علوم اجتماعی، دسترسی در: <http://towfigh.blogfa.com>.

حسین زاده، رمضان و نورالدین شریفی (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر رشد اقتصاد استان گلستان با تأکید بر نقش اثرات سرریزی و بازخوردی منطقه‌ای: تحلیل داده-ستانده دو منطقه‌ای، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۵

حقمردادی، م. (۱۳۹۲)، «تحلیل انتقادی روابط قدرت و قومیت در ایران»، فصلنامه ژبوار، س ۶، ش ۱۵-۱۶، ص ۲۴۱-۲۳۹.

دیلم کتولی، هاجر. دیلم کتولی، هنگامه (۱۳۹۵)، ارزیابی اثرات گردشگری شهرستان گرگان با رویکرد توسعه پایدار، فصلنامه پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، سال اول - شماره ۲.

شاهکوبی، اسماعیل (۱۳۹۰)، بررسی نقش اقلیم در برنامه‌ریزی گردشگری استان گلستان، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی، شماره ۷۹ صحنه، بهمن و ابراهیم معماری (۱۳۹۶)، اولویت‌بندی امکانات توسعه گردشگری و توزیع فضایی آن (نمونه موردی: شهرستان‌های استان گلستان)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۲۶

کردی، حسین. (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر در نگرش زنان به مشارکت سیاسی در استان گلستان (مطالعه موردی: شهرستان گنبد کاووس). مجله مطالعات اجتماعی ایران، (۲)۱، ۱۱۱-۱۲۳.

هویان، آندرانیک (۱۳۷۸)، استان گلستان، فصلنامه نامه اتاق بازرگانی، شماره ۳۸۰.

Baranton, R. (2009) "The Importance of Race Ethnicity in Congressional Primary Elections". *Political Research Quarterly*, 62(3):459-473.

Entesar, N. (1992) *Kurdish Ethnonationalism, The United States of America*: Lynne Rienner Publishers.

Gimpel, J.J. & Wendyk, T. (2004) "The Persistence of white Ethnicity in New England Politics". *Political Geography*, 23:987-1008.

Olsen, B and J, Hovden (2007). "Societal Safety: Concept, Borders and Dilemmas", *Journal of Contingencies and Crisis Management*, Volume 15.

Turner, T. (2003) "Class Projects, Social Consciousness, and the Contradictions of 'Globalization'", in: J. Friedman (Ed.), Globalization, the State, and Violence. Walnut Creek: AltaMira Press, p 35-66.

<https://www.semanticscholar.org>

<https://www.mehrnews.com>

golestancr.ir

<http://www.chap.sch.ir>

<http://golestanp.ir>

<http://www.oilempire.us/iran.html>

<http://www.oilempire.us/iran.htm>

